

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا
سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۱۹، پیاپی ۱۰۹، پاییز ۱۳۹۲

نقد و بررسی تحلیلی دلایل ظن به امامت سید محمد، فرزند امام هادی (ع)

سید احمد محمودی^۱
سید مهران طباطبائی پوده^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۲۱

تایخ تصویب: ۹۲/۸/۶

چکیده

بررسی و تحلیل دلایل ظن به امامت سید محمد از جمله مسائلی است که با وجود اهمیت آن، تاکنون مغفول مانده است. روایات دال بر تعلق امامت به فرزند بزرگ‌تر، وجود نص مبنی بر امامت سید محمد، عدم شناخت مفهوم بداء، عدم تصریح علنی بر امامت امام حسن عسکری (ع)، توجه و محبت خاص امام هادی (ع) به سید محمد، سابقه‌ی ظن به امامت اسماعیل و خفقان دوره‌ی عباسی و ایجاد محدودیت در معرفی امام عسکری (ع)، از جمله دلایل ظن به امامت سید محمد هستند که در این پژوهش مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین روایات با مضمون معرفی اسامی دوازده امام

^۱ استادیار گروه معارف دانشگاه اصفهان. sa.Mahmoodi@Ltr.ui.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه اصفهان. mehran.tabatabaei@gmail.com

که از ائمه‌ی بعد از امام باقر (ع) نقل شده‌اند و مورد استناد مخالفین امامت سید محمد هستند، با رسم نموداری روایان در جهت شناسایی عوامل احتمالی جعل مورد واکاوی قرار گرفته‌اند و این نتیجه به دست آمده که هیچ‌یک از عوامل مطرح شده داللتی بر امامت سید محمد ندارد و خطایی از جانب امام هادی (ع) در تعیین امام بعدی صورت نگرفته است. همچنین روایاتی را که نام دوازده امام در آن‌ها ذکر شده است، نمی‌توان جعلی و ساخته‌ی روایان دانست و دلیل طرح امامت سید محمد را باید در گمانه‌زنی مردم، توجه خاص امام هادی (ع) به سید محمد و محدودیت و محدودیت امام در معرفی امام حسن عسکری در دوران خفقان بنی عباس جست‌وجو کرد.

واژگان کلیدی: سید محمد، امامت، بداء، روایات دوازده امام، فرزند بزرگ‌تر، نص بر امامت.

۱. مقدمه

در اواخر دوره‌ی امامت حضرت هادی (ع)، با فوت فرزند بزرگ‌تر ایشان، ابوجعفر سید محمد، گفت‌وگوهایی در جامعه‌ی شیعه پدید آمد. سید محمد جوانی بسیار مذهب و آراسته و مورد علاقه‌ی امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) بود (نوبختی، ۱۳۸۶: ۱۱۱؛ اشعری قمی، ۱۹۶۳: ۱۰۹؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۸۵) که در نظر برخی به عنوان جانشین اصلی مقام امامت شناخته شد (سعدبن عبدالله، ۱۹۶۳: ۱۰۹) و حتی بنا بر برخی روایات، امام هادی (ع) آشکارا او را به عنوان جانشین خویش به پیروانشان معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۸: ۳۲۸؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۸۵). به نظر می‌رسد آنچه در زمان حیات سید محمد دلیل اصلی ظن به امامت وی شد، وجود روایات دال بر تعلق امامت به فرزند ارشد امام است (الکلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۸۴-۲۸۵-۳۵۱) که گاهی توسط امامان به عنوان نشانه‌ی امامت مورد

تأکید قرار می‌گرفت؛ برای نمونه هنگامی که از مدعیان امامت سید محمد در زمان حیات وی، برهان طلب می‌شود، به روایات شنیده‌شده از امام هادی (ع) مبنی بر تعلق امامت به فرزند بزرگ‌تر، اشاره می‌کردند (خصیصی، ۱۴۱۹: ۳۸۵-۳۸۶)؛ چنانکه حضرت هادی (ع) پس از فوت سید محمد بر این نشانه برای شناسایی امام بعدی تأکید کردند (طبرسی، ۱۳۹۸: ۴۸۵).

با وجود انتظار این گروه، این فرزند سه سال پیش از فوت پدر درگذشت (خصیصی، ۱۴۱۹: ۳۸۵) و امام هادی (ع) در مجلس تعزیت وفات او، فرزند بعدی خود، امام حسن عسکری (ع) را با خطاب «ای فرزندم، برای خدا تجدید شکری کن که درباره‌ی تو امر خود را تجدید کرد» به عنوان جانشین خود معرفی فرمودند و از وقوع بداء در مورد امامت خبر دادند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۱).

پس از درگذشت امام هادی (ع) در سال ۲۵۴ قمری، بیشتر شیعیان امام حسن عسکری (ع) را به امامت پذیرفتند (خصیصی، ۱۴۱۹: ۳۸۴-۳۸۵)؛ اگرچه در روایتی از امام حسن عسکری (ع) آمده است که هیچ‌یک از پدران بزرگوارشان به اندازه‌ی ایشان مورد شک و تردید قرار نگرفته بودند (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۲۲).

گفتنی است این ماجرا پیشینه‌ای نیز در جامعه‌ی شیعه داشته است که مهم‌ترین مورد آن مربوط به ظن به امامت اسماعیل و شایعه‌ی تعیین صریح وی به عنوان جانشین امام صادق (ع) است (صدوق، ۱۳۹۵: ۶۹) که با فوت غیرمنتظره‌ی اسماعیل، عده‌ای که منتظر امامت وی بودند، در بهت و تعجب فرو رفتند.

نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که با فرض قبول علم حضرت هادی (ع) به امامت حسن بن علی (ع) قبل از فوت سید محمد، چرا امام هادی (ع) به وضوح این مسئله را بیان نکردند و حتی پس از فوت سید محمد نیز از وقوع بداء در امامت خبر می‌دهند.

از سوی دیگر، در روایاتی از امامان شیعه به اسامی دوازده امام اشاره شده است که بر رد ادعاهای فرقه‌ی محمدیه و سخنان مدعیان وقوع بداء در امامت دلالت دارد؛ البته روایات مطرح‌شده از زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) به بعد، به دلیل بحث بداء که در مورد امامت اسماعیل مطرح شد، اهمیت ویژه‌ای دارند که آن‌ها را در این پژوهش بررسی

خواهیم کرد و نشان می‌دهیم که اگرچه در طرق این روایات افراد ضعیف‌شده‌ای مانند بکر بن صالح، عبدالرحمن بن سالم، مفضل بن عمر، عمرو بن شمر و احمد بن هلال، افراد متهم به غلو چون داود بن القاسم الجعفری، علی بن ابی حمزه، الحسن بن علی و محمد بن سنان و افراد مجهولی چون عیسی بن احمد و احمد بن عبدالله قرار دارند که تقریباً تمام طرق روایات را به نحوی مخدوش کرده‌اند، نمی‌توان این روایات را مجعول و ساخته‌ی آنان قلمداد کرد.

با وجود اهمیت علل ظن به امامت سید محمد و مسائل مذکور، تا به حال در این مورد تحقیق و بررسی انجام نشده است. در این تحقیق دلایل ظن به امامت سید محمد، از قبیل روایات دال بر تعلق امامت به فرزند بزرگ‌تر، وجود نص مبنی بر امامت سید محمد، عدم شناخت مفهوم بداء، عدم تصریح علنی بر امامت امام حسن عسکری (ع)، توجه و محبت خاص امام هادی (ع) به سید محمد، سابقه‌ی موجود در ظن به امامت اسماعیل و خفکان دوره‌ی عباسی و ایجاد محدودیت در معرفی امام عسکری (ع) را نقد و بررسی خواهیم کرد. روایات دوازده امام که از ائمه‌ی بعد از امام باقر (ع) نقل شده و روایات دال بر وقوع بداء در امامت سید محمد را با رسم نموداری راویان آن‌ها مورد تحلیل قرار می‌دهیم و به شناسایی عوامل احتمالی جعل این روایات می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که هیچ‌یک از موارد مطرح‌شده دلیلی برای امامت سید محمد و خطای امام هادی (ع) در تعیین امام و جعلی بودن روایات «دوازده امام» به شمار نمی‌رود. در پایان به بررسی این موضوع پرداخته‌ایم که علت ظن به امامت سید محمد را باید در روایات امام هادی (ع) یا گمان مردم جست‌وجو کرد.

۲. نقد و بررسی دلایل ظن به امامت سید محمد

۱-۲. امامت فرزند ارشد

در روایاتی با سند صحیح، هنگامی که از علامت شناخت امام سؤال می‌شود، امام نشانه‌ی شناسایی جانشین خود را فرزند بزرگ‌تر بودن بیان می‌فرماید:

«امام را علاماتی است: از جمله‌ی آنها این است که بزرگ‌ترین فرزند پدرش می‌باشد و دارای فضیلت و وصیت است» (کلینی و مصطفوی، ۱۳۶۹: ۳۶/۲).

«امر امامت در فرزند بزرگ است؛ در صورتی که در او عیبی وجود نداشته باشد» (الکلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۸۵).

هشام بن سالم گوید: پس از وفات امام صادق (ع) در مدینه بودیم، مردم همه دور عبدالله بن جعفر (عبدالله افطح) گرد آمده بودند و اتفاق داشتند که بعد از پدرش او صاحب الامر است. من و صاحب الطاق هم نزد او رفتیم و مردم هم نزد او بودند و این توجه به او برای این بود که از امام صادق (ع) روایت داشتند که امر امامت در پسر بزرگ است، به شرط اینکه عیبی نداشته باشد (کلینی و کمره‌ای، ۱۳۷۵: ۲/۶۱۵).

در ادامه راویان حدیث کیفیت پی بردنشان به امامت موسی بن جعفر (ع) را ذکر کرده‌اند که بیانگر این نکته است که در نظر عوام، معیار «فرزند بزرگ‌تر بودن» از مهم‌ترین نشانه‌های شناخت امام بوده است. هنگامی که علی بن مهزیار از امام هادی (ع) از امام بعد از ایشان سؤال می‌کند، حضرت امامت را متعلق به فرزند بزرگ‌تر می‌داند (طبرسی، ۱۳۹۸: ۴۸۶).

روایات دیگری نیز برای تشخیص امام بیان شده‌اند که در آنها اثری از معیار «فرزند بزرگ‌تر» نیست و بیشتر بر «فضیلت» جانشین امام تکیه شده است؛ برای نمونه امام موسی کاظم (ع) جانشین خود را این گونه معرفی می‌کنند: «امام به چیزی که از پدر درباره‌ی او سابقه دارد، مانند نص بر او و سپردن علم امامت به او، شناخته می‌شود»، «هرچه از او پرسند جواب گوید و اگر در برابر او خاموش نشینند او خود آغاز سخن کند»، «می‌تواند از آینده خبر دهد» و «با مردم جهان به هر زبانی می‌تواند سخن کند» (کلینی و کمره‌ای، ۱۳۷۵: ۲/۳۸۵؛ الکلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۸۵ ح ۷).

افزون بر نشانه‌های بالا، گاهی امام به فراخور مخاطب علائم دیگری را بیان می‌کردند: «معاویه بن وهب گوید: به امام باقر (ع) گفتم: نشانه‌ی امام بعد از امام چیست؟ فرمود: حلال‌زادگی و پرورش خوب و کنار بودن از لهو و لعب» (الکلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۸۴ ح ۴).

در هر صورت باید توجه کنیم که منظور امام (ع) از امامت فرزند ارشد، فرزند بزرگ‌تری است که بعد از شهادت ایشان وجود دارد و در آن عیبی هم نباشد؛ چنانکه وقتی راوی از امام سؤال می‌کند «قائم بعد از شما برای امامت کیست؟»، امام به بزرگ‌ترین فرزند خود در هنگام مرگ اشاره می‌کند، نه به بزرگ‌ترین فرزند. در همان زمان نیز برای میمونه این شبهه ایجاد شده بود که منظور امام بزرگ‌ترین فرزند در هنگام نقل روایت است و حسین بن همدان او را متوجه مقصود امام کرد (خصیصی، ۱۴۱۹: ۳۸۶) و امام صادق (ع) و امام هادی (ع) نیز به فراخور این تصور هر زمان که قبل از فوت اسماعیل یا سید محمد از امامت آن‌ها سوال می‌شد، امامت آن‌ها را انکار و به امامت امام کاظم (ع) و امام حسن عسکری (ع) اشاره می‌کردند (صفار، ۱۴۰۴: ۳۴۰؛ مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲۹۰؛ مفید، ۱۴۱۳ ب: ۳۱۵/۲؛ الکلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۵/۱).

گفتنی است، بر خلاف آنچه عده‌ای گمان برده‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۳۲)، این گمان مردم در آن دوره بر عقاید و تاریخ شیعه خللی وارد نمی‌کند؛ زیرا آنچه در عقاید ملاک و معیار است، سخنان و عملکرد معصوم است، نه تفکرات و گمان‌های جامعه‌ی شیعه؛ چنانکه امام حسن عسکری (ع) نیز با بیان رخ دادن مسئله‌ی بداء و تغییر در آنچه مردم در مورد امامت سید محمد انتظار داشتند، مخالفت خود با اعتقاد به امکان تغییر در علم امام و یا خدا را بیان فرموده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۷). در هر صورت می‌توانیم روایات دال بر تعلق امامت به فرزند بزرگ‌تر را مهم‌ترین عامل در ظن به امامت سید محمد بدانیم.^۳

۲-۲. وجود نص مظنون بر امامت سید محمد

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در ظن به امامت سید محمد، وجود نص مظنون بر امامت وی است؛ به طوری که از زمان حیات امام هادی (ع) در مورد جانشین ایشان در میان

^۳ پیش از امام هادی (ع) معمولاً فرزند بزرگ‌تر امام‌حی، به عنوان جانشین انتخاب می‌شد و در روایات نیز به فرزند بزرگ‌تر بودن جانشین امام، اشاره شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۸۴، ۲۸۵، ۳۸۵)؛ البته به غیر از امام صادق (ع). در مورد امام حسین (ع) نیز اختلاف است؛ چنانکه عده‌ای علی‌اکبر را بزرگ‌تر از امام سجاد (ع) (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۷۷/۴) و عده‌ای امام سجاد را فرزند بزرگ‌تر می‌دانند (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۳۵/۲).

شیعیان اختلاف نظر و عقیده پیدا شد (خصیصی، ۱۴۱۹: ۳۸۵) که شاید علت اصلی آن وجود روایات مظنون در مورد امامت سید محمد باشد. در روایاتی امام هادی (ع)، حضرت عسکری (ع) را این گونه مورد خطاب قرار می دهند: «ای فرزندم برای خدا تجدید شکری کن که دربارہی تو امر خود را تجدید کرد»^۴ (صفار، ۱۴۰۴: ۴۷۳؛ الکلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۶-۳۲۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۰۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۶۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۴۲۳)؛ در حالی که در مورد سید محمد نیز روایاتی صریح مبنی بر امامت وی از امام هادی (ع) نقل شده است (الکلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۷؛ خصیصی، ۱۴۱۹: ۳۸۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۳۱۸).

در این پژوهش برای بررسی و تحلیل روایات با مضمون بدء «یا بنی احدث الله شکرًا فقد احدث فيك امرًا» و «بدالله فی ابی محمد بعد ابی جعفر»، رسم نموداری راویان را برای شناسایی عوامل احتمالی جعل به عنوان عاملی کمک دیداری مورد استفاده قرار داده ایم.^۵ همان طور که در نمودار ۱ می بینیم، با بررسی روایت مشخص می شود که اگرچه روایت جزو اخبار واحد محسوب می شود، احتمال جعل آن معقول به نظر نمی رسد؛ زیرا شبکه‌ی به هم پیوسته‌ی راویان، احتمال جعل روایت را کاهش می دهد؛ به طوری که راویانی که در هریک از اسناد این روایت قرار دارند، با اسناد دیگر که از کتب متفاوت روایی نقل

^۴ «يَا بَنِي أَخْلَرْتُ لَكَ شُكْرًا فَقَدْ أَخْلَرْتُ فِيكَ أَمْرًا».

^۵ یکی از مواردی که در تحلیل روایات به عنوان ابزار کمک دیداری بسیار مفید و مؤثر است، رسم نموداری راویان حدیث است که مورد استفاده‌ی مستشرقین نیز قرار گرفته است (موتسکی، ۱۳۹۰: ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۳۰، ۳۳۵). به کمک این روش علاوه بر اینکه می توانیم موقعیت مشخص هر راوی در نقل روایت مورد نظر را به راحتی تحلیل کنیم، می توانیم عوامل احتمالی جعل روایت را نیز شناسایی کنیم؛ چنانکه گاهی یک روایت دارای اسناد مختلف در کتب متفاوت است؛ اما وجود یک راوی مشترک در تمامی طرق، احتمال جعل توسط وی را افزایش خواهد داد. همچنین در اسناد برخی روایات با وجود کثرت نقل آن در کتب حدیث، ارتباط شبکه‌ای طرق نقل روایت که تنها به وسیله‌ی رسم نموداری راویان قابل تحلیل است، احتمال جعل در روایت را کاهش خواهد داد؛ هر چند در تمامی اسناد روایت، افراد ضعیف وجود داشته باشند. موارد زیر از جمله مزایای رسم نموداری راویان به شمار می روند:

- تشخیص و تعیین نقش هر راوی در انتشار روایت مورد نظر؛
- شناسایی حلقه‌های مشترک در نقل روایت؛
- تشخیص ارتباط و درهم تنیدگی اسناد یک روایت با یکدیگر؛
- سهولت در تشخیص تعداد افراد راوی در هر طبقه؛
- تفهیم آسان تر جایگاه اسناد روایت به مخاطب.

شده‌اند، ارتباط دارند و این موضوع احتمال جعل در طبقه‌های انتهایی روایت را نامعقول می‌کند. علاوه بر آنکه نقل روایت توسط هشت نفر از صحابی حضرت امام هادی (ع)، از اطمینان صحت نقل از طبقه‌های ابتدایی خبر می‌دهد، خواتیر یینل در این باره می‌نویسد: «چنانچه هم رویدادی چنان تبیین شود که از شاگردان ادعایی، هریک به دلایل شخصی خاص خود و کاملاً مستقل از یکدیگر وانمود کردند که عیناً یک روایت را از یک استاد شنیده‌اند، این فرضیه بیش از حد ساده‌انگارانه است» (موتسکی، ۱۳۹۰: ۳۲۰).

در نمودار ۱ زیر نام افرادی را که مورد توثیق واقع شده‌اند خط کشیده‌ایم و آن‌ها را از راویان مجهول و ضعیف، متمایز کرده‌ایم.^۶

در اسناد ارائه‌شده در چهار طریق زیر سند روایت صحیح نیست:

- محمد بن عبد الجبار (امامی، ثقة جلیل) $\hookrightarrow$ محمد بن الحسین بن ابی الخطاب (امامی، ثقة جلیل) (اسناد بازسازی شده $\hookrightarrow$ سعد بن عبدالله (امامی، ثقة جلیل)) (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۰۳).

- داود بن القاسم الجعفری (امامی، ثقة جلیل) (اسناد بازسازی شده: $\hookrightarrow$ موسی بن جعفر بن وهب) $\hookrightarrow$ سعد بن عبدالله (همان).

- علی بن جعفر العریضی (امامی، ثقة جلیل) $\hookrightarrow$ موسی بن جعفر بن وهب (امامی، ثقة علی التحقیق) $\hookrightarrow$ جعفر بن محمد بن مالک (ثقه علی التحقیق) $\hookrightarrow$ علی بن محمد علان الکلینی (امامی، ثقة) (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۶).

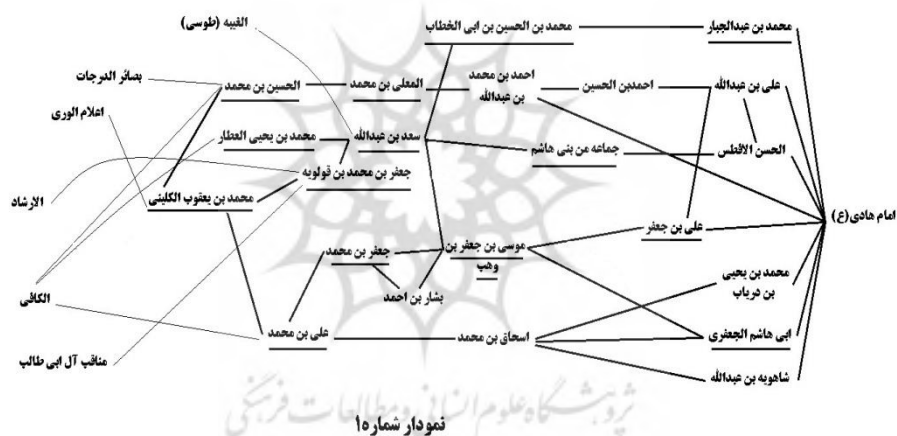
- علی بن جعفر العریضی (اسناد بازسازی شده: $\hookrightarrow$ موسی بن جعفر بن وهب $\hookrightarrow$ سعد بن عبدالله الاشعری) $\hookrightarrow$ جعفر بن محمد بن قولویه (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۴۲۳).

با بررسی حلقه‌های مشترک در نقل روایت در نمودار، می‌بینیم که علی بن محمد علان الکلینی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۱؛ الحلی، ۱۴۱۱: ۱۰۰) سعد بن عبدالله القمی، داود بن القاسم الجعفری (ابی هاشم) (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۸۶-۳۷۵؛ الطوسی، ۱۴۲۰: ۱۸۲؛ النجاشی، ۱۴۰۷: ۱۵۶) و علی بن جعفر العریضی (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۶۵؛ الحلی، ۱۴۱۱: ۹۲؛ الطوسی، ۱۳۸۱: ۳۵۹؛ الکشی، ۱۴۰۹: ۴۳۰) ثقة شناخته شده‌اند و اسحاق بن محمد، رمی به غلو شده و

^۶ قضاوت در مورد راویان بر اساس نظرات آیت‌الله شبیری زنجانی است که در نرم‌افزار درایه‌النور بیان شده است.

ضعیف خوانده شده است (الطوسی، ۱۳۸۱: ۳۸۴؛ الحلی، ۱۴۱۱: ۲۰۰؛ ابن الغضائری، ۱۳۶۴: ۱/ ۴۲) و حسن الافطس مجهول است.

جعفر بن محمد الکوفی (جعفر بن محمد بن مالک الفزاری) نیز توسط شیخ طوسی توثیق شده است (الطوسی، ۱۳۸۱: ۴۱۸)؛ اما ابن الغضائری و نجاشی او را تضعیف کرده‌اند (النجاشی، ۱۴۰۷: ۱۲۲؛ ابن الغضائری، ۱۳۶۴: ۱/ ۴۸)؛ بنابراین با توجه به ساختار نسبتاً پیچیده‌ی روایت و ملاحظه‌ی اسناد آن و وجود روایات صحیح (الکلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۲۶؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۸۲) به راحتی نمی‌توان روایات بداء را ساخته‌ی جاعلان دانست و برای شناخت معنای صحیح روایت باید به معنا و مفهوم بداء در آیات و روایات رجوع کرد.



در روایت کتاب کافی (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۷/۱) که با عبارت «ان الله تبارک و تعالی قد جعل فیک خلفا منه فاحمدالله» بر تعیین امامت سید محمد، قبل از امام حسن عسکری (ع) دلالت دارد، محمد بن یحیی می گوید:

بعد از وفات ابی جعفر، خدمت امام هادی (ع) رسیدم و او را تسلیت گفتم. ابو محمد هم نشسته بود و گریه می کرد. امام هادی (ع) به او متوجه شد و فرمود: خدای تبارک و تعالی را حمد کن که به جای او از تو جانشینی گذاشت (کلینی و مصطفوی، ۱۳۶۹: ۱۱۵/۲).

همین روایات با اسناد شیخ مفید از ابوالقاسم از کلینی نقل شده است (مفید، ۱۴۱۳: ۲/ ۳۱۸).

در نقد این روایات باید یادآور شویم که مشابه همین جملات را، به غیر از جمله‌ی آخر روایت (جعل فیک خلف منه)، پس از وفات سید محمد، راویان دیگر نیز روایت کرده‌اند که پیش از این آوردیم (صفار، ۱۴۰۴: ۱/ ۴۷۳؛ الکلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۲۶)؛ لذا باید این تغییر در کلمات یا اشتباه در برداشت از کلمات امام (ع) را در نگاه راویان این حدیث جست‌وجو کنیم. در مورد محمد بن یحیی بن درباب، در کتب رجال هیچ توصیفی نیامده و مجهول است و اسحاق بن محمد نیز رمی به غلو و فاسدالمذهب و مشکوک در روایت معرفی شده است (ابن الغضائری، ۱۳۶۴: ۱/ ۴۲؛ الطوسی، ۱۳۸۱: ۳۸۴؛ الحلی، ۱۴۱۱: ۲۰۰؛ النجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۶). در هر صورت اگرچه اسحاق بن محمد روایات مشابه این حدیث را روایت کرده است، این برداشت از روایت را با توجه به وجود روایات مشابه و عدم وثاقت راویان باید به برداشت اشتباه یا تعمد راویانی چون اسحاق بن محمد نسبت داد.

در روایت کافی در صفحه‌ی ۳۲۸ که علی بن محمد از اسحاق بن محمد و شاهویه بن عبدالله جلاب بیان کرده است، هنگامی که راوی از جانشین امام هادی (ع) می‌پرسد، حضرت به امامت امام حسن عسکری (ع) اشاره و این آیه را تلاوت می‌فرمایند: «مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۷ (بقره: ۱۰۶). اگرچه این روایت به صراحت روایت قبل نیست، تلاوت این آیه توسط امام هادی (ع)، احتمال تغییر در امامت را بیشتر می‌کند.

در هر صورت احتمالات زیر در مورد روایت یادشده قابل طرح هستند:

۱. اسحاق بن محمد و شاهویه بن عبدالله، برای توجیه رأی و سخن اشتباه امام، پس از مرگ سید محمد، اقدام به جعل روایت نموده‌اند.
۲. راوی در نقل روایت اشتباه کرده است.

^۷ «مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ يَبْدُو لَهُ فِي شَيْءٍ الْيَوْمَ لَمْ يَعْلَمْهُ أَمْسٍ فَأَبْرَأْهُ مِنْهُ» (صدوق، ۱۳۹۵: ۱/ ۷۰).

۳. روایت دال بر حصول بداء در امامت سید محمد است؛ به سخن دیگر اعتقاد به عقیده‌ی بداء که پس از فوت اسماعیل به دلیل جلوگیری از اختلاف در جامعه‌ی شیعه از کیسانیه گرفته شده بود، بار دیگر در زمان امام هادی (ع) توسط او ابراز شد.

۴. روایت بر امامت سید محمد دلالتی ندارد.

فرضیه‌ی اول هنگامی قابل طرح است که قبل از فوت سید محمد، نصی بر امامت او از جانب امام هادی (ع) وجود داشته باشد؛ درحالی که در زمان حیات سید محمد، امام هادی (ع) امامت را به امام حسن عسکری (ع) متعلق دانسته و امامت سید محمد را انکار کرده‌اند (الکلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۳۱۵-۳۱۴؛ خصیعی، ۱۴۱۹: ۳۸۶).

فرضیه‌ی دوم قابل اطمینان نیست؛ زیرا مورد اصلی بحث در این روایت، مربوط به مضمون آیه‌ی بیان شده است، نه مفهوم انتقال یافته در سخنان امام که احتمال سوء برداشت در آن وجود دارد. در توضیح این مطلب باید بگوییم راوی جایز است آنچه را که از معصوم شنیده است، با حفظ مضمون برای دیگران با الفاظی متفاوت نقل کند؛ اما در اینجا و با توجه به وجود آیه در روایت مذکور، احتمال اینکه راوی آیه را برای انتقال مفهوم داخل در متن روایت کرده باشد، منتفی است؛ زیرا این عمل تصرف در روایات خواهد بود، نه انتقال مفهوم و بررسی احتمال وقوع تصرف در روایت داخل در این فرض نخواهد بود.

برای بررسی فرض سوم و چهارم، به شناسایی مفهوم قابل برداشت از آیه نیاز داریم. علامه طباطبائی در تفسیر خود، مسئله‌ی نسخ را از سنخ تناقض‌گویی نمی‌داند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲/۳۸۲). مرحوم میرداماد می‌گوید: «البداء نسخ تکوینی و النسخ بداء تشریعی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴/۱۲۶)؛ در اینجا نسخ را باید به همان معنای بداء بدانیم و برای شناخت مفهوم صحیح نسخ و به عبارتی بداء، به آیات و روایات مراجعه کنیم و بر اساس معنی صحیح بداء به تشخیص دلالت یا عدم دلالت این روایت بر امامت سید محمد پردازیم.

اعتقاد به بداء نه تنها از زمان امام صادق (ع)، بلکه پیش از آن نیز در روایات شیعه و از زبان امامان پیشین بیان شده است؛ به طوری که به همان معنای مأخوذ در روایات پس از زمان امام صادق (ع) اشاره می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۶-۱۴۷)، نه در معنایی که مختار برای توجیه پیش‌بینی‌های خود انجام می‌داد. او مدعی بود چیزهایی را از طریق وحی می‌داند و

اصحاب خویش را از آنچه قرار بود اتفاق بیفتد خبر می‌داد. اگر چنانکه او گفته بود اتفاق می‌افتاد، به مقصود خود می‌رسید و اگر اتفاق نمی‌افتاد می‌گفت: «برای پروردگار شما بداء حاصل شد» (مطهر بن طاهر، ۱۳۷۴: ۶۴/۱)؛ بنابراین نمی‌توانیم این عقیده را از ابداعات امام صادق (ع) و امام هادی (ع) برای جلوگیری از تنش در جامعه‌ی شیعه به شمار آوریم و اعتقاد کیسانیه را به عنوان سمبلی برای اعتقاد امام صادق (ع) و هادی (ع) معرفی کنیم.

۲-۳. عدم شناخت مفهوم بداء عامل ظن به امامت سید محمد

از مواردی که نقش تعیین‌کننده در ظن به امامت سید محمد داشته است، مسئله‌ی نشناختن معنای صحیح بداء است. با وفات سید محمد و سخن حضرت هادی (ع) مبنی بر وقوع بداء در امامت وی، این فرضیه بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفت؛ به طوری که عده‌ای روایات بداء را دال بر عدم آگاهی امام از مسئله‌ی امامت ولی پس از خود دانسته‌اند (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۱۲) و در طرف مقابل، گروهی اصل حقیقت بداء را ناشی از عقاید کیسانیه می‌دانند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

در نقد امکان وقوع بداء در اصل امامت در ابتدا باید معنای صحیح آن را در روایات و آیات قرآن بررسی کنیم. خداوند در آیه‌ی ۴۷ سوره‌ی زمر می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَدَّلَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ»^۸. خداوند در این آیه از حصول بداء در خصوص ستمگران خبر می‌دهد. در اینجا بداء ظاهر شدن امری است که ستمکاران انتظار آن را نداشتند؛ به سخن دیگر، به معنای تغییر در علم ستمگران و انسان است، نه تغییر در علم خداوند. هنگامی که با این تعریف به روایات با مضمون «یا بنی‌ا‌حدث الله شکرًا فقد احدث فیک امرًا» و «بدالله

^۸ گروهی شرایط نصب امامت امام عسکری (ع) را شرایطی اضطراری در قبال نصب امام می‌دانستند و این به نوبه‌ی خود موجب ضعف اعتقاد و کوتاهی آن‌ها در اطاعت از امام عسکری (ع) شده بود (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۲۲)؛ تا جایی که برخی به اصطلاح شیعیان بی‌ایمان در مورد پاکی و تقوای عملی آن امام معصوم و مظلوم، سخنان بی‌ادبانه می‌گفتند (قاضی نعمان، ۱۴۱۱: ۳/۳۱۳؛ سعد بن عبدالله، ۱۹۶۳: ۱۰۹) و برخی دیگر از همان ناپاکان مدعی می‌شدند که دانش امام را سنجیده و آن را در سطح دانش کامل که برای ائمه لازم است نیافته‌اند (قاضی نعمان، ۱۴۱۱: ۳/۳۱۲). کوردلانی نیز بودند که می‌گفتند در نامه‌های امام اغلاط دستوری یافته‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۳۵).

فی ابی محمد بعد ابی جعفر» می‌نگریم، به آسانی می‌توانیم از مراد این روایات، یعنی «تغییر در آنچه مردم انتظار دارند»، آگاه شویم.

هرچند این احتمال وجود دارد که جامعه‌ی شیعه مفهوم بداء را بدون توجه به اشکالات کلامی آن، به معنی وقوع تغییر در مشیت الهی می‌دانستند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۳۳)، بنا بر روایات، ائمه (ع) حصول بداء در علم خداوند را محال می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴/ ۱۱۱)؛ چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «از کسی که گمان می‌برد امروز چیزی بر خدا ظاهر می‌شود که دیروز نمی‌دانست، بیزار باشید»^۹ (صدوق، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۵۸). ایشان تعیین امامت را به دست خداوند می‌دانستند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۷۷)؛ بنابراین می‌توانیم به معنای صحیح بداء (تغییر در آنچه مردم انتظار دارند) دست یابیم و آن را این گونه معنی کنیم که خداوند نسبت به آن امری که انتظار می‌رفت (نه آنچه قرار بود واقع شود) دگرگونی ایجاد کرد؛ چنانکه شیخ صدوق (ره) نیز به این نکته در مورد بداء در مسئله‌ی امامت اسماعیل اشاره کرده است (صدوق، ۱۳۹۸: ۳۳۶).

متکلمان نیز در تأیید این مدعا و توجیه و تفسیر بداء درباره‌ی خداوند گفته‌اند که بداء در مورد خدا به این معنی است که بندگان امری و حکمی را به گونه‌ای تصور می‌کنند که در لوح محفوظ غیر از آن است و چون آنچه در لوح محفوظ است از بندگان مخفی است، به آن توجه نمی‌کنند و خلاف آن را در لوح محو و اثبات یا عالم قدر می‌بینند و موقعی که برای آنان آنچه در لوح محفوظ، مرقوم است معلوم و خلاف آنچه فکر می‌کنند آشکار می‌شود، گمان می‌کنند که بداء حاصل شده است (سجادی، ۱۳۷۳: ۱/ ۳۹۱). برخی از فلاسفه نیز در کتب خود به شرح و تبیین مسئله بداء پرداخته‌اند و آن را مطابق و در راستای قضای الهی بیان کرده‌اند (طباطبایی، [بی‌تا]: ۳۷۳-۳۸۲).

۴-۲. عدم تصریح علنی بر امامت امام حسن عسکری (ع)

بنا بر شواهد موجود، امام هادی (ع) از معرفی علنی و عمومی امام حسن عسکری (ع) به عنوان جانشین، پرهیز می‌کردند و این عامل سبب شد شیعیان، بنا بر معیارها و

^۹ هر آیه‌ای را که نسخ کنیم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا مانند آن را بیاوریم.

پیش فرض های ذهنی تاریخ تشیع (تعلق امامت به فرزند ارشد و توجه و محبت خاص امام به جانشین خود که تا پیش از این معمولاً در مورد وصی رخ می داد) به گمانه زنی در تشخیص جانشین امام هادی (ع) پردازند؛ به طوری که امام هادی (ع) در مجلس وفات سید محمد به طور تلویحی از ظن عمومی شیعیان در تعلق امامت به سید محمد خبر می دهند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۷).

برخی روایات از معرفی امام حسن عسکری (ع) تنها چهار ماه پیش از شهادت امام هادی (ع) خبر می دهند (طبرسی و عطاردی، ۱۳۹۸: ۴۸۶)؛ در حالی که سید محمد حدود چهار سال و ده ماه پیش از شهادت حضرت هادی (ع)، فوت کرده بود (خصیسی، ۱۴۱۰: ۳۸۵). در برخی روایات از ناآشنایی مردم با امام حسن عسکری (ع) تا زمان وفات امام هادی (ع) خبر داده شده است و اینکه گروهی از امامت حضرت عسکری (ع) از طریق نماز گزاردن بر پیکر امام هادی (ع) آگاه می شوند (طبرسی و عطاردی، ۱۳۹۸: ۴۸۶)؛ تا جایی که این ناآشنایی سبب ضعف اعتقاد و کوتاهی عده ای از شیعیان در اطاعت از امام عسکری (ع) می شود.^{۱۰}

گفتنی است، هرچند امام هادی (ع) از معرفی علنی جانشین خود ابا داشتند، در موارد خاص^{۱۱} و در قبال پرسش برخی اصحاب، حتی پیش از فوت سید محمد، به امامت امام حسن عسکری (ع) اشاره کرده اند (مفید، ۱۴۱۳: ۱/۳۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۵).

۲-۵. توجه و محبت خاص امام به سید محمد

توجه و محبت امام هادی (ع) به سید محمد و عفت و محبویت وی، یکی دیگر از عوامل ظن به امامت سید محمد است؛ به طوری که امام هادی (ع) و فرزندش امام حسن عسکری (ع) به سید محمد بسیار ابراز علاقه می کردند (خصیسی، ۱۴۱۹: ۳۸۵). حسن بن حسن افطس

^{۱۰} اگر ستمگران تمام آنچه را روی زمین است مالک باشند و همانند آن بر آن افزوده شود، حاضرند همه را فدا کنند تا از عذاب شدید روز قیامت رهایی یابند و از سوی خدا برای آن ها اموری ظاهر می شود که هرگز گمان نمی کردند.

^{۱۱} به عنوان نمونه می توان به معرفی حضرت امام حسن عسکری (ع) در مجلس وفات سید محمد اشاره کرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۰۳؛ طوسی و عزیزی، ۱۳۸۷: ۳۶۴) که البته در آنجا نیز امام با عبارت «احدث الله شکراً فقد فیک امراً» به صورت غیرمستقیم، به امامت حضرت عسکری (ع) اشاره دارند.

روایت می‌کند که امام حسن عسکری (ع) از شدت ناراحتی فوت برادر، گریبان خود را چاک زدند (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۱۵/۲)؛ زیرا معمولاً همراه سید محمد بود و از یکدیگر جدا نمی‌شدند (شریف‌القریشی، ۱۴۰۹: ۲۵). این موضوع نشان‌دهنده‌ی شأن و عظمت سید محمد و محبت خاص امام (ع) به او است.

از سید محمد جز عفاف و صلاح صادر نشد و به همین دلیل عده‌ای او را مستحق جانشینی پدر دانستند و حتی عده‌ای گفتند او نمرده است؛ بلکه پدرش او را از ترس پنهان کرده است (سعدبن عبدالله، ۱۹۶۳: ۱۰۹).

۶-۲. سابقه‌ی ظن به امامت اسماعیل

از مهم‌ترین عوامل در گمان به امامت سید محمد، وجود پیش‌زمینه‌ی فکری در مورد امامت اسماعیل بن جعفر (ع) است. امام هادی (ع) در مورد سابقه‌ی ظن به امامت اسماعیل می‌فرماید: «خدا را، درباره‌ی اَبی محمد، پس از اَبی جعفر، بداء حاصل شد، نسبت به چیزی که برای او روشن نبود (درباره‌ی امامت او)؛ چنانکه درباره‌ی امام موسی (کاظم) (ع) پس از رفتن اسماعیل بدائی حاصل شد که پرده از کار او برداشت» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۷).

اسماعیل فرزند ارشد امام صادق (ع) بود که انتظار عموم مردم این بود که جانشین آن حضرت شود (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۳۴۰). حتی شایعاتی قوی در جامعه‌ی شیعه به وجود آمده بود که امام او را آشکارا به عنوان جانشین خود معین کرده است (خصیسی، ۱۴۱۹: ۳۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۰۰ و ۸۲)؛ چنانکه از امام صادق (ع) روایت شده است: «از خداوند امری ظاهر نشد (از نظر عجیب بودن برای مردمان) همان‌طور که در مورد اسماعیل فرزندم صورت گرفت (وی را قبل از من از دنیا برد تا همگان بدانند که وی بعد از من امام نیست)» (الصدوق، ۱۳۹۸: ۳۳۶).

وجود پیش‌زمینه‌ی فکری وقوع بداء در امامت اسماعیل، زمینه‌ای را فراهم کرد تا بار دیگر انتظار گروهی از مردم برای امامت سید محمد، به عنوان فرزند ارشد امام هادی (ع) شکل گیرد.

۲-۷. خفقان دوره‌ی عباسی و محذوریت در معرفی عمومی امام

از مهم‌ترین عوامل معرفی نکردن علنی امام حسن عسکری (ع) توسط امام هادی (ع)، باید به خفقان حکومت عباسی اشاره کنیم؛ زیرا اگر امام هادی (ع) به معرفی علنی جانشینان می‌پرداختند، چه بسا از طرف حکومت بدخواهان ترور می‌شدند؛ چنانکه در مورد علت فوت سید محمد نیز گمانه‌زنی‌هایی در مورد بیمار شدن وی توسط دشمنان و حسادت عباسی‌ها مطرح شده است (شریف‌القریشی، ۱۴۰۹: ۲۵).

این فشار سیاسی بر امام هادی (ع) مانع شد که امامت حسن عسکری (ع) را آشکار کنند و در نتیجه مسئله‌ی جانشینی امامت امام هادی (ع) به صورت مبهم در میان برخی شیعیان باقی ماند و ظن در مورد امام بعد، بر اساس برخی روایات و سابقه‌ی ذهنی ایجاد شد.

امام هادی (ع) و فرزند گرامی‌شان، امام حسن عسکری (ع)، به عسکرین شهرت یافتند؛ زیرا خلفای بنی‌عباس آن‌ها را از سال ۲۳۳ به سامراء (عسکر) بردند و تا آخر عمرشان تحت نظر قرار دادند. متوکل با حمله کردن به یاران امام (ع) و پایگاه‌های او و آزار دادن آنان و از میان برداشتن آثار شیعیان، قصد داشت بیش از پیش آنان را دچار وحشت کند و تا جایی پیش رفت که قبر امام حسین (ع) را ویران کرد و آثار آن را از میان برد (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۰۴/۵). در رویدادی دیگر به متوکل خبر رسید که از شهر قم که یکی از مراکز طرفداران امام (ع) بود، اموالی برای حضرت فرستاده‌اند. وی به وزیر خود، فتح‌بن خاقان، دستور داد که مراقب اوضاع باشد و نتیجه را به او خبر دهد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۵۱۵).

در چنین اوضاع خفقان‌آوری، تعیین آشکار امام حسن عسکری (ع) جان ایشان را با خطرات فراوانی مواجه می‌کرد؛ در نتیجه برخی شیعیان که از امام هادی (ع) سخنی در مورد جانشین ایشان نشنیده بودند، با توجه به قرائن موجود در روایات و محبت خاص امام به سید محمد، وی را به عنوان جانشین امام تصور می‌کردند.

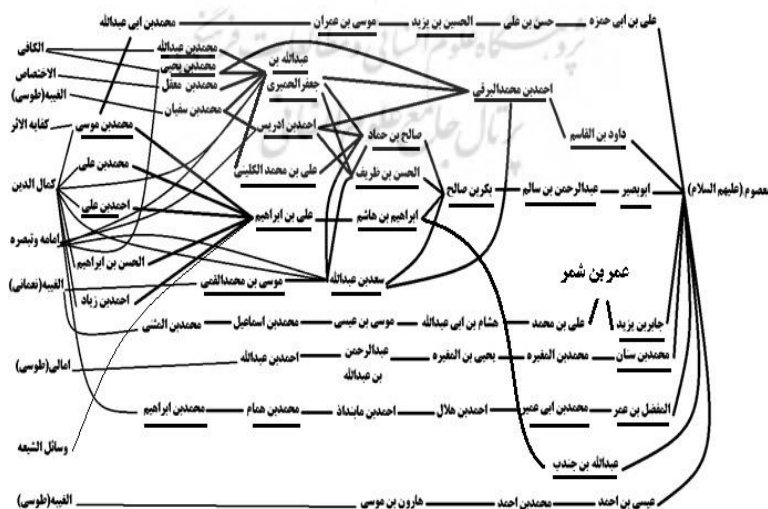
امام هادی (ع) جز در مواردی خاص، از معرفی امام عسکری (ع) خودداری می‌کردند و قصد داشتند با گذر زمان و دفع خطرات احتمالی، ابهام را برطرف و جانشین خود را برای عموم آشکار کنند.

۳. بررسی روایات با مضمون «پیشگویی اسامی دوازده امام»

احادیث با مضمون «پیشگویی اسامی دوازده امام» از جمله دلایلی هستند که توسط امامیه برای محال دانستن وقوع بقاء در امامت سید محمد بیان می‌شوند (صدوق، ۱۳۹۵: ۷۰/۱).

با توجه به اینکه مسئله‌ی وقوع بقاء در امامت، از زمان امام صادق (ع) و با ظن به امامت اسماعیل مطرح شد، بررسی احادیث دوازده امام نقل شده از زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) به بعد، اهمیت بیشتری خواهد یافت. به این دلیل که عموماً راویان روایت امام صادق (ع) و امام باقر (ع) یکسان هستند، در اینجا روایات نقل شده از امام باقر (ع) را نیز بررسی می‌کنیم.

برای بررسی و تحلیل دقیق‌تر و کامل‌تر روایات، رسم نموداری راویان برای شناسایی عوامل احتمالی جعل به ما کمک خواهد کرد. در نمودار ۲ می‌بینیم که روایات را با این مضمون که از امام صادق (ع)، امام باقر (ع)، امام موسی بن جعفر (ع) و امام هادی (ع) نقل شده‌اند، بررسی کرده‌ایم (برای اسناد روایات مذکور ر. ک. الکلینی، ۱۴۰۷: ۱/۵۲۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۴۳ و ۱۳۶؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۱/۳۰۸-۲۵۲؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۹۱؛ ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۶۲-۹۳؛ المفید، ۱۴۱۳ الف: ۲۱۰؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۴۳؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۱۰۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۷).



نمودار شمار ۲۵

در ابتدا آنچه با نگاه به اسناد روایت به نظر می‌رسد، این است که روایات مبنی بر پیش‌بینی اسامی ائمه (ع) توسط امامان بعد از امام باقر (ع) ساخته‌ی جاعلان احادیث است. اگر به راویان این حدیث در نمودار ۲ توجه کنیم، درمی‌یابیم که حلقه‌ی مشترک این روایت بکر بن صالح و عبدالرحمن بن سالم هستند که هر دو توسط رجالیون تضعیف شده‌اند (ابن الغضائری، ۱۳۶۴: ۱/ ۴۴ و ۷۴؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۸ و ۲۳۹؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۰۹). داود بن القاسم الجعفری نیز توسط کشی غالی خوانده شده (الکشی، ۱۴۰۹: ۵۷۱) است. همچنین در شاخه‌های دیگر که طرق منفرد دارند، افراد تضعیف‌شده‌ای چون علی بن ابی حمزه و پسرش الحسن بن علی (حلی، ۱۴۱۱: ۲۳۲؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۰؛ کشی، ۱۴۰۹: ۵۵۲ و ۴۴۳)، محمد بن سنان (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۲۸ و ۵۴۶)، مفضل بن عمر (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۱۶؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۵۸)، عمرو بن شمر (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۸۷؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۴۲) و احمد بن هلال (طوسی، ۱۴۲۰: ۸۳؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۳۸۴) قرار دارند.

در نقد این نظریه، باید توجه کنیم که دلایل بیان‌شده برای جعلی بودن این روایات، کافی نیستند. این روایات را نمی‌توانیم ساخته‌ی افرادی چون بکر بن صالح، عبدالرحمن بن سالم، علی بن ابی حمزه و پسرش، جابر بن یزید و محمد بن سنان بدانیم؛ زیرا این افراد نهایتاً از امام جواد (ع) نقل روایت کرده‌اند (ر. ک. نرم‌افزار درایه‌النور)؛ درحالی که تاریخ وفات امام جواد (ع) سال ۲۲۰ هجری قمری است و تا مشخص شدن امامت آخرین امام، ۳۵ سال فاصله بوده است.

شاید غالی دانستن داود بن القاسم را بیشتر باید در نگاه افراطی برخی رجالیون جست‌وجو کرد (وحید بهبهانی، [بی‌تا]: ۳۸)؛ زیرا وی توسط شیخ طوسی و نجاشی توثیق شده است (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۸۶، ۳۹۹، ۳۷۵ و ۱۸۲؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۵۶). در هر صورت در مورد شخصیت داود بن القاسم، اجماعی در میان رجال‌شناسان وجود ندارد.

در نمودار بالا نام افرادی را که مورد توثیق واقع شده‌اند با کشیدن خط مشخص کرده‌ایم. بر این مبنا شاخه‌های روایی زیر دارای اسناد و صحیح هستند:

- ابی بصیر (امامی، ثقة جلیل) ⇨ عبدالرحمن بن سالم (امامی، ثقة علی التحقيق، قیل انه ضعیف) ⇨ بکر بن صالح (ثقة علی التحقيق و ربما یضعف) ⇨ صالح بن ابی حماد (امامی،

ضعیف بعض الضعیف و التحقیق انه ثقہ) ﴿عبدالله بن جعفر الحمیری (امامی، ثقہ) و علی بن محمد علان الکلبی (امامی، ثقہ) ﴿عبدالله بن جعفر الحمیری (امامی، ثقہ جلیل) ﴿محمد بن یحیی العطار (ثقه عین) و محمد بن عبدالله (ثقه جلیل) (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۵۲۷ ح ۳).

- ابی بصیر ﴿عبدالرحمن بن سالم ﴿بکر بن صالح ﴿صالح بن ابی حماد و حسن بن ظریف ﴿سعد بن عبدالله (امامی، ثقہ جلیل) و عبدالله بن جعفر الحمیری (صدوق، ۱۳۹۵: ۱/ ۳۰۸).

- ابی بصیر ﴿عبدالرحمن بن سالم ﴿بکر بن صالح ﴿ابراهیم بن هاشم (ثقه جلیل علی التحقیق) ﴿علی بن ابراهیم (امامی، ثقہ جلیل) ﴿محمد بن موسی المتوکل (امامی، ثقہ جلیل) و احمد بن علی بن ابراهیم (امامی، ثقہ علی التحقیق) (صدوق، ۱۳۹۵: ۱/ ۲۵۲).

- ابوهاشم داود بن القاسم (امامی، ثقہ جلیل) ﴿احمد بن محمد بن خالد البرقی (امامی، ثقہ جلیل) ﴿سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر و محمد بن یحیی العطار و احمد بن ادريس (امامی، ثقہ جلیل) (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۰۶).

- عبدالله بن جندب (امامی، ثقہ جلیل) ﴿ابراهیم بن هاشم ﴿علی بن ابراهیم ﴿محمد بن یعقوب الکلبی (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۷/ ۱۵).

- ابی بصیر ﴿عبدالرحمن بن سالم ﴿بکر بن صالح ﴿سعد بن عبدالله ﴿موسی بن محمد القمی (هو ثقہ من اصحابنا (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۰۷)) (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۶۲).

بیشتر این روایات با اسناد صحیح از طریق ابی بصیر، عبدالرحمن بن سالم و بکر بن صالح نقل شده‌اند که ممکن است جعل روایت توسط این شاخه را محتمل سازد؛ اما همان‌طور که در نمودار می‌بینیم، این روایت از طرق عبدالله بن جندب و داود بن القاسم در اسنادی صحیح و توسط دیگران نیز نقل شده است. همچنین وجود افراد بسیار در حلقه‌های میانی و نقل این روایت توسط بیست نفر از راویان برای صاحبان کتب روایی احتمال جعل را بی اعتبار می‌کند.

ائمه (ع) به دلیل شدت خفقانی که حکومت‌های عباسی ایجاد کرده بودند، کمتر و به صورت بسیار محدود به بیان این دسته از روایات مبادرت می‌کردند تا امام بعد با خطر جانی روبه‌رو نشود؛ اما باید توجه کنیم که محدود بودن این روایات، دال بر مجعول بودن

آن‌ها یا عدم آگاهی ائمه (ع) از اسامی امامان بعد از خود نیست؛ زیرا بنا بر روایات متواتر، ائمه عالم به غیب و مخزن علم الهی هستند (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۱۰۴؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱/ ۶۲ و ۱۰۳-۱۰۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۵۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۳ و ۱۹۴؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۳۷؛ مفید، ۱۴۱۳ج: ۱۸۶- طبری آملی، ۱۳۸۳: ۲/ ۱۵۸؛ کشی، ۱۴۰۹: ۳۰۶؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۲/ ۶۱۰؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۷۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۰۷ و ۳۵).

۴. نتیجه‌گیری

مهم‌ترین عامل ظن به امامت سید محمد در زمان حیات وی، وجود روایاتی است که بر تعلق امامت به فرزند ارشد امام دلالت می‌کردند و از امام صادق (ع) و امام هادی (ع) شنیده شده بودند. در این مقاله نشان دادیم که منظور امامان از این سخن، تعلق امامت به بزرگ‌ترین فرزند امام است که پس از فوت ایشان در قید حیات باشد. همچنین نشانه‌ی «فرزند بزرگ‌تر بودن امام» تنها یکی از نشانه‌های امامت است و در میان اصحاب ائمه (ع) ملاک‌های بهتری نیز وجود داشته است.

«وجود نص مبنی بر امامت سید محمد»، «عدم شناخت مفهوم بداء»، «عدم تصریح علنی بر امامت امام حسن عسکری (ع)»، «توجه و محبت خاص امام هادی (ع) به سید محمد»، «سابقه‌ی ظن به امامت اسماعیل» و «خفقان دوره‌ی عباسی و ایجاد محذوریت در معرفی امام عسکری (ع)» از عوامل دیگر ظن به امامت سید محمد به شمار می‌روند.

همچنین با بررسی روایات دال بر وقوع بداء و روایات دوازده امام نقل شده از امام باقر (ع) و صادق (ع) و ترسیم نموداری راویان، نشان دادیم که هرچند در سلسله‌ی راویان این روایات افراد ضعیف و غیرمعتبر یافت می‌شوند، نمی‌توان جعلی و ساختگی بودن روایات را اثبات و تأیید کرد.

در این مقاله در مورد علت عدم معرفی علنی امام حسن عسکری (ع) به عنوان جانشین امام نیز بحث کردیم و مشخص کردیم که ایشان به دلیل خفقان دوره‌ی عباسی، تنها به برخی افراد و در مواقع خاص، امام حسن عسکری (ع) را به طور صریح معرفی می‌کردند و در

قبال عموم جامعه نیز هرچند در ابتدا سخنانشان با نوعی ابهام همراه بود، با گذر زمان و رفع خطرات پیش رو، جانشین خود را به تدریج مشخص کردند.

منابع

- **قرآن مجید**. (۱۳۹۰). ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی. چ ۳. بیروت: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
- ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷). **الغیبه**، ترجمه‌ی علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). **مناقب آل ابی طالب علیهما السلام**. قم: علامه.
- ابن الغضائری، احمد بن حسین. (۱۳۶۴). **رجال**. قم: مؤسسه‌ی اسماعیلیان.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). **کامل الزیارات**. نجف: دارالمرتضویه.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). **وسائل الشیعه**. قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهما السلام.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱). **رجال**. قم: دارالذخائر.
- خصیعی، حسین بن حمدان. (۱۴۱۹). **الهدایه الکبری**. بیروت: انتشارات البلاغ.
- خزاز رازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱). **کفایه الأثر فی النصّ علی الأئمه الإثنی عشر**. ترجمه‌ی عبداللطیف حسینی کوه‌کمری. قم: بیدار.
- دفتری، فرهاد. (۱۳۷۵). **تاریخ و عقاید اسماعیلیه**. ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات فاروس.
- سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۳). **فرهنگ معارف اسلام**. چ ۳. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سعد بن عبدالله اشعری قمی. (۱۹۶۳). **المقالات والفرق**. تهران: علمی و فرهنگی.
- شریف‌القریشی، باقر. (۱۴۰۹). **حیاه الامام الحسن العسکری**. بیروت: دارالکتب الاسلامی.
- صدوق، علی بن حسین. (۱۴۰۴). **الإمامة و التبصرة من الحیره**. قم: مدرسه‌الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، **من لا یحضره الفقیه**، علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- (۱۳۹۸). **التوحید**. قم: جامعه‌ی مدرسین.

- - کمال الدین و تمام النعمة. چ ۲. تهران: اسلامیه. (۱۳۹۵).

- کمال الدین. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: اسلامیه.

- الصفار، محمدبن حسن. (۱۴۰۴). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم. چ ۲. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- طباطبایی، محمدحسین. [بی تا]. نقدهای علامه طباطبائی بر علامه مجلسی (حواشی بر بحار الانوار). تحقیق و تصحیح مرتضی رضوی. [بی جا].
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰). إعلام الوری بأعلام الهدی. چ ۳. تهران: اسلامیه.

- زندگانی چهارده معصوم (ع)، ترجمه‌ی کتاب إعلام الوری بأعلام الهدی. ترجمه‌ی عزیزالله عطاردی. تهران: اسلامیه.
- الطبری آملی، عمادالدین أبی جعفر محمدبن أبی القاسم. (۱۳۸۳). بشارة المصطفی شعیة المرتضی. چ ۲. نجف: حیدریه.
- الطوسی، محمدبن الحسن. (۱۳۸۱). رجال. نجف: حیدریه.

- الفهرست. قم: ستاره. (۱۴۲۰).

- الغیبه. تحقیق عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح. قم: دارالمعارف الإسلامیه.

- الأملی. قم: دارالثقافة. (۱۴۱۴).

- متن و ترجمه‌ی کتاب غیبت. ترجمه و تحقیق مجتبی عزیزی. چ ۲. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- الکشی، محمدبن عمر. (۱۴۰۹). اختیار معرفه الرجال. به کوشش مهدی رجایی. قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم السلام.
- الکلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷). الکافی. به کوشش علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چ ۴. تهران: اسلامیه.

- أصول الکافی. ترجمه‌ی محمدباقر کمره‌ای. چ ۳. قم: اسوه.

----- (۱۳۶۹). **أصول الكافي**. ترجمه‌ی سید جواد مصطفوی.

تهران: کتابفروشی اسلامیة.

- کوفی اهوازی، حسین بن سعید. (۱۴۰۲). **الزهد**. تصحیح و تحقیق غلامرضا عرفانیان یزدی. چ ۲. قم: المطبعة العلمية.

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). **بحار الأنوار**. چ ۲. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

- مدرسی طباطبائی، سیدحسین. (۱۳۸۹). **مکتب در فرایند تکامل**. ترجمه‌ی هاشم ایزدپناه. چ ۸. تهران: چاپ غزال.

- مطهرین طاهر مقدسی. (۱۳۷۴). **البداء و التاریخ**. ترجمه‌ی محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.

- المفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی. (۱۴۱۳ الف). **الاختصاص**. تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی. قم: المؤتمر العالمي لالفة الشيخ المفید.

----- (۱۴۱۳ ب). **الإرشاد فی معرفة**

حجج الله علی العباد. قم: مؤسسة آل البيت علیهما السلام.

----- (۱۴۱۳ ج). **کتاب المزار** -

مناسک المزار، ابطحی، محمد باقر، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه
----- [بی تا]. **ترجمه ارشاد**. ترجمه و

شرح سید هاشم رسولی محلاتی. چ ۲. تهران: اسلامیة.

- موتسکی، هارالد. (۱۳۹۰). **حدیث اسلامی؛ خاستگاه‌ها و سیر تطور**. قم: دارالحديث.

- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷). **رجال**. قم: انتشارات جامعه‌ی مدرسین.

- نوبختی، حسن بن موسی. (۱۳۸۶). **فرق الشیعه**. ترجمه‌ی محمدجواد مشکور. چ ۳. تهران: کتیبه.

- وحید بهبهانی، محمدباقر. [بی تا]. الفوائد الرجالية. [بی جا].

منابع الکترونیک

- گروه پاسخ به شبهات مؤسسه‌ی تحقیقاتی حضرت ولیعصر. (۱۳۹۰). **بداء در تفکر شیعی و خاستگاه آن**.

----- (۱۳۹۱). / **امام هادی مشعلدار هدايت**.

[http:// www. valiasr-aj. com/](http://www.valiasr-aj.com/)

- اندیشه‌ی قم. پرسش و پاسخ. [بی تا]. **عقاید اسماعیلیه**.

[http:// www. andisheqom. net/](http://www.andisheqom.net/)

- اداره‌ی مشاوره‌ی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. (۱۳۸۴). / **امامت پسر**

بزرگ نور.

[http:// www. quran. porsemani. Ir/](http://www.quran.porsemani.Ir/)

- نرم افزار درایه‌النور. (تیر ۱۳۸۸). نسخه‌ی ۱/۲. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

- نرم افزار جامع الاحادیث. (آبان ۱۳۹۰). نسخه‌ی ۳/۵. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم

اسلامی.

- نرم افزار کتابخانه‌ی کلام اسلامی. (بهمن ۱۳۸۹). قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

- نرم افزار جامع التفاسیر نور. (شهریور ۱۳۹۰). قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

